

واعظ آشتیانی، معاون اسبق وزارت صنایع و معادن در گفت‌وگو با «نسل‌فردا» مطرح کرد:

بارانت‌خواران و متخلفان بر خور دقاطع نمی‌شود

لبلاکلمی | گروه سیاست
leilakazemi288@gmail.com

فساد اقتصادی در ایران به‌رغم قوانین بازدارنده بیش از حد تصور است. بر اساس آمارهای گوناگون در تطبیق با استانداردهای جهانی از لحاظ نظم‌گریزی، فساد اداری و فساد اجرایی و مدیریتی ایران جزء کشورهای رده بالا قرار دارد؛ طوری که در رده‌های اول تا دهم قرار گرفته‌ایم و از لحاظ سلامت، شفافیت و رشد و توسعه اکثراً از متوسط به بالا و در ردیف‌های آخر جدول جهانی قرار داریم. فساد در بیشتر کشورهای دنیا وجود ملموس ندارد؛ اما در ایران به‌وضوح این پدیده مشاهده می‌شود. عوامل مؤثر در فساد، عدم شایسته‌سالاری و انحصار در فعالیت رانتی و سلیقه‌ای برخوردکردن با قوانین و مقررات و مسائلی از این قبیل است. برای دریافت پاسخ و چرایی فساد، واعظ آشتیانی، معاون اسبق وزارت صنایع و معادن با «نسل‌فردا» گفت‌وگو کرده است که در ادامه می‌خوانید:

چرا در کشور ما فساد اقتصادی و اداری ریشه دوانده است و پیوسته شاهد کشف فساد و رانت‌خواری جدیدی هستیم؟

در ساختار اقتصادی و اداری کشور ما ضعف‌ها و مشکلاتی وجود دارد. نکته دیگر اینکه مجریان قانون به‌دلیل تعدد قوانین مبادرت به تفسیر به‌رأی می‌کنند. سلیقه‌ای برخورد کردن با قوانین و مقررات هم از دیگر فاکتورهایی است که فضای رانت و فساد را فراهم می‌کند. زمانی می‌توان از رانت‌خواری و فساد جلوگیری کرد که مجری اجرائی قانون و مقررات فارغ از نگاه‌های منفعت‌طلبانه و سودجویانه تصمیم‌گیری کند. به‌هر صورت رانت‌خواری تنها مختص کشور ما نیست؛ در تمام دنیا این اتفاق رخ می‌دهد؛ منتهی شدت و ضعف دارد؛ اما در کشور ما ضعف در ساختار اقتصاد، ضعف در سازمان‌های اداری، عدم کارآمدی نیروی انسانی و تفسیر به‌رأی قانون و مقررات دست‌به‌دست یکدیگر می‌دهند و این مشکلات را رقم می‌زنند.

چگونه می‌توان با این پدیده شوم مبارزه کرد؟

قانون باید روشن و شفاف باشد و به‌صورت یکسان برای تمامی افراد اجرا شود و تبعیضی در اجرای آن اعمال نشود، یعنی تمامی آحاد جامعه بتوانند به شکل یکسان از تمامی قوانین و مقررات بهره‌مند شوند. تربیت نیروی انسانی کارآمد نیز حائز اهمیت است و در عین حال اصلاح ساختار اقتصادی و اداری و اجرایی کشور از موضوعاتی است که می‌تواند از این اتفاقات

جلوگیری کند.

کفساد اداری و اقتصادی در ایران از حد اشباع نیز گذشته است.

این موضوع به‌عدم نظارت بازمی‌گردد. در کشور ما دستگاه‌های نظارتی مختلفی فعالیت دارند که مسئولیت نظارت بر عملکرد دستگاه‌ها را بر عهده دارند. دیوان محاسبات چگونگی هزینه‌کرد بودجه در وزارت‌خانه و سازمان‌های دولتی را بررسی می‌کند و این سازمان زیرمجموعه مجلس شورای اسلامی است. سازمان بازرسی کل کشور مسئولیت اجرای قوانین و چگونگی اجرای آن را بر عهده دارد و این سازمان زیرمجموعه قوه قضائیه کشور است. در وزارت‌خانه‌ها و سازمان‌ها نیز زیرمجموعه‌ای تحت عنوان نظارت و ارزیابی واحد کنترل وجود دارد. به‌نظر من عدم برخورد قاطع با متخلفان دلیل اصلی وقوع این اتفاقات است. اگر دستگاه‌های نظارتی تذکراتی می‌دهند و پیگیری‌هایی می‌کنند، مجریان قانون اهمیتی به این قضیه نشان نمی‌دهند، یعنی نظارت یکی از فاکتورهای مهم در هر جامعه‌ای در عرصه‌های مختلف به‌شمار می‌آید. متأسفانه بخشی از نظارت‌ها نظارت کارآمد نیست و بخشی دیگر هم که کارآمد است برخورد جدی نمی‌کند، یعنی نوع تنبیه‌هایی که در نظر گرفته می‌شود به‌گونه‌ای نیست که هم ارشادی و هم پهری باشد. این نکته حائز اهمیت است که بحث نظارت جدی تلقی شود. اگر بحث نظارت جدی گرفته شود و فرهنگ‌سازی و توجه به تعهدات اخلاقی و رفتاری کارگزاران در سطوح مختلف اجرایی

مدنظر قرار گیرد این امر می‌تواند به اصلاح بسیاری از رفتارها کمک کند. اینکه این موضوع در حال رشد است به نظر من به دلیل عدم تعهد و عدم توجه به این اتفاق‌های نامیمون است.

چه چه علت فساد در کشورهای توسعه‌یافته مهار و مدیریت شده است و فساد عریان در این کشورها وجود ندارد؟

فساد در کشورهای توسعه‌یافته به شکل مطلق مهار شده نیست؛ بلکه محدود است. گاهی اوقات در رسانه‌های جهانی شاهد هستیم اگر فردی با مقام مسئولی رانت‌خواری یا سوءاستفاده کرد به مجازات شدیدی محکوم می‌شود؛ برای نمونه، سوءاستفاده دستیار رئیس‌جمهور کره جنوبی منجر به استعفای رئیس‌جمهور این کشور شد. این امر باین‌تر آن است که تاچه اندازه برای قانون و مقررات و حقوق مردم ارزش و احترام قائل هستند که دستگاه قضائی با متخلفان چنین برخوردی می‌کند. زمانی که برخورد قاطعانه و بدون ملاحظه جایگاه افراد باشد، سطح جرائم به‌شدت کاهش می‌یابد، یعنی برخورد به‌گونه‌ای است که هزینه جرم بالا می‌رود. کسی که می‌خواهد مرتکب جرم شود می‌داند که باید بابت تخلف خود هزینه سنگینی پرداخت کند و همین اتفاق باعث می‌شود انگیزه افراد برای ارتکاب جرم بسیار کاهش یابد و اگر معدودی از افراد مبادرت به این اقدام کنند تصور آنان این است که امکان دارد قانون آنان را رصد نکند. در کشور ما نیز باید هزینه تخلفات بالا باشد که کسی جسارت تخلف نداشته باشد. در حقیقت باید در

برخورد با متخلفان هیچ تبعیضی وجود نداشته باشد تا آحاد جامعه احساس کنند قانون برای همه افراد یکسان است و قانون برای افرادی که از جایگاه خاصی برخوردار هستند این‌گونه نیست که خیلی ویژه با آنان برخورد کند؛ اما با مردم عادی برخورد سخت و محکمی داشته باشد.

امکان کنترل فساد در کشور ما وجود دارد؟ در چه صورتی فساد غیر قابل کنترل می‌شود؟

کشور ما از حیث قوانین مشکلی ندارد، یعنی قوانین کارآمدی تصویب شده است؛ مهم نوع اجرا و نظارت آن است. زمانی که قوانین و مقررات سلیقه‌ای اعمال شود و نظارت بر عملکرد مسئولان وجود نداشته باشد این مسائل می‌تواند فسادانگیز باشد؛ بنابراین لازم‌نبودن چنین اتفاقاتی نظارت و کنترل و در عین حال برخورد یکسان در برابر قانون است.

چگونه می‌توان شرایط مناسب برای اجرای قانون «از کجا آورده‌ای» را فراهم کرد؟

قانون «از کجا آورده‌ای» یک اصل از قانون اساسی است. یکی از خواسته‌های آحاد جامعه همین مسئله است: کسانی که به‌یک‌باره ثروت‌های بادآورده نصیب‌شان می‌شود، چگونه و با چه فاکتوری به‌دست آورده‌اند؟ این قانون از «کجا آورده‌ای» اگر عملیاتی شود به‌نظر بنده افراد زیادی باید پاسخگو باشند. ما با این اصل به‌شدت ضعیف برخورد کرده‌ایم و جالب این است که حتی برخی وزرا از ارائه لیست اموال خود امتناع می‌کنند و نگران هستند. چرا این‌گونه است؟ نکته مهم این است که چگونه یک نفر در



و دولت الکترونیک به آنان ایسب اجازه رانمی‌دهد و به‌سرعت اعلام می‌شود. در این کشورها کسانی که مجری قانون هستند رودر بایستی با فرد و مسئول دیگر ندارند و قانون افرادی را که از مسیر نامشروع به ثروتی رسیده‌اند، مورد شناسایی قرار می‌دهد و با آنان به‌شدت برخورد می‌کند. فرار مالیاتی در کشور ما پدیدار می‌کند و اصلا فرار مالیاتی افتخار برخی افراد محسوب می‌شود. نکته مهم‌تر اینکه فرهنگ پرداخت مالیات در کشور ما با چالش مواجه است؛ ضمن اینکه پرسش مردم این است: مالیاتی که ما پرداخت می‌کنیم چگونه هزینه می‌شود و کارآمدی آن به کجا می‌انجامد؟ آیا این مالیات‌ها تنها هزینه دولت فریه می‌شود یا در زیرساخت‌های کشور هزینه می‌شود؟ این‌ها نکاتی است که نیازمند روشن‌گری و اطلاع‌رسانی به مردم است. کار فرهنگی کردن این است که به مردم بگوییم مالیاتی که شما به‌شویه‌های مختلف پرداخت می‌کنید، در جهت پیشرفت و توسعه کشور هزینه شده و به‌عنوان سرمایه‌گذاری تلقی می‌شود. دولت‌ها حداقلی، اما چابک و کارآمد هستند؛ ولی دولت مافره و با کارایی حداقلی است. ما باید این فاصله‌ها را کاهش دهیم. اینکه بگوییم دولت الکترونیک ایجاد کنیم، این دولت را می‌خواهید با کدام بستر ایجاد کنید؟ در سیستمی که رانت‌خواری و فرصت‌طلبی، بالا و کارآمدی پایین است نمی‌توانید دولت الکترونیک ایجاد کنید. اگر قرار است یک اقدام اساسی انجام دهیم و کارآمدی سیستم را از تقادیم باید اصلاح ساختار را در دستور کار قرار دهیم.

مدت ۳۰ سال از یک کارمند ساده به هزار میلیارد تومان ثروت دست پیدا می‌کند؟ چه معامله تجاری در این مدت انجام داده که به این ثروت رسیده است؟ البته ناگفته نماند در این مدت افراد تلاش می‌کنند تحولات اقتصادی در زندگی خود ایجاد کنند؛ ولی نه این رقم افسانه‌ای. این جای سؤال خواهد بود و نشان می‌دهد که در حصول این ثروت رانت، سوءاستفاده و عدم‌نظارت نقش اساسی ایفا کرده است. این‌ها همه یادآورده، افسانه‌ای و فاصله طبقاتی بیش‌ازپیش نمایان می‌شود که البته جای نگرانی است.

ادامه روند فساد اقتصادی و اداری در کشور چه آثار و نتایجی برای جامعه دارد؟

فاصله طبقاتی گسترده‌تر و طیف معدودی از افراد، غنی و طیف وسیعی با معضلات اقتصادی و معیشتی روبه‌رو می‌شوند؛ در ضمن رانت‌خواران، ویژه‌خوار می‌شوند و ویژه‌خواران به دلیل عدم کنترل و نظارت رشد پیدا می‌کنند.

آیا دولت الکترونیک می‌تواند در مبارزه با فساد و شفاف‌سازی اقتصادی مؤثر باشد؟

ابزارهای مختلفی در این راستا دخیل است. قبل از اینکه دولت الکترونیک راه‌اندازی شود باید ساختار اقتصادی اصلاح و مرکز و سیستم اقتصادی ما به‌سمت سویسی همانند کشورهای توسعه‌یافته هدایت شود. کشورهای توسعه‌یافته اگر فرار مالیاتی داشته باشند یا پول نامتعارف وارد حساب آنان شود، سیستم هشدار می‌دهد؛ برای اینکه سیستم مالیاتی

تحلیل

سکوت جامعه بین‌المللی در مقابل نسل‌کشی



پاتریک ساهاکیان | گروه سیاست
patrickshahkian72@gmail.com

سکوت اعضای جامعه بین‌الملل در مقابل نسل‌کشی و جنایات ضد بشری، عاملی برای ادامه این وقایع در جهان است، اتفاقاتی که وقوع آن در قرن بیستم و یکم و انتقال خبر این‌گونه رفتارها باعث تعجب و حیرت جهانیان می‌شود، وقایعی که با وجود تشکیل سازمان‌ها و اتحادیه‌های بین‌المللی، تدوین قوانین، آیین‌نامه‌ها و شعارهایی چون حقوق بشر، حقوق مدنی، آزادی مدنی و... در حال انجام است. سازمان‌های بین‌المللی با موضوع مبارزه با وقایعی از این جنس در مقابل آن موضع سکوت اختیار می‌کنند یا با تحریف واقعیت و ساختن تاریخی غیرحقیقی سعی در توجیه آن دارند و نهایتاً در صورت عدم توانایی در بست‌دادن واقعیت‌ها با آنچه ساخته‌وپرداخته این نوع توهم است؛ با ابراز تأسف موضوع را در سطح مجامع بین‌المللی به پایان می‌رسانند؛ اما آنچه مهم است سرنوشت مردمانی است که به‌خاطر زیاده‌خواهی‌های گروهی خاص از روند عسادی زندگی خود خارج شده و در مسیر تباهی ملتی،

حرکت می‌کنند. هم‌زیستی ادیان در کنار سایر نشانه‌های بلوغ سیاسی جامعه قرار می‌گیرد. امروزه ایراد سخن پیرامون واژه‌هایی مانند حقوق بشر، آزادی مدنی، حقوق و کنوانسیون‌های بین‌المللی از تریبون‌های راجل سیاسی و صاحب‌منصبان باعث کسب محبوبیت برای سخنران می‌شود، سخنانی زیبا که وفا و عمل به آن کمتر دیده می‌شود؛ اما آیا سیاست‌کسب قدرت از راه دروغ و تیرنگ است؟ میانمار کشوری است که از لحاظ جغرافیایی در شرق قاره کهن و در همسایگی کشورهای لاوس، هند، بنگلادش، چین و تایلند قرار دارد و در برگیرنده یک‌سوم مرزهای خاکی و دوسوم مرزهای آبی است. نام رسمی این کشور اتحادیه جمهوری میانمار است که جمهوری بودن حکومت این کشور را نشان می‌دهد. واژه جمهوری این نام تداعی‌کننده نوع حکومت بر اساس مردم‌سالاری به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم در فرهنگ سیاسی جهان است. بسیاری از کشورهایین واژه را در کنار نام کشور به‌یادک می‌کنند، اما آنچه حائز اهمیت است عمل به آن است. نام پیشین این کشور با جمعیت بیش از ۵۵ میلیون نفر، در برگیرنده

شده است. می‌توان این عامل را در کنار عواملی چون سیاست داخلی، وحدت ملی بوداییان و اقدام‌های تلافی‌جویانه به‌عنوان عامل تأثیرگذار داخلی محسوب کرد و در کنار عوامل تأثیرگذار خارجی از جمله بازار تجاری برای کشورهایی مانند چین قرار داد. پس از تحولات در ساختار حکومتی این کشور و تدوین قانون اساسی جدید، بیش از یک‌صد قوم به‌عنوان ملت این کشور حق زندگی را برای خود حفظ کردند؛ ولی اقوام مسلمان از حق ادامه زندگی در وطن خود محروم شدند. قائل‌شدن تبعیض نژادی و دینی برای این اقلیت دینی در کشور میانمار به‌حدی رسیده است که حق

حیات که از ابتدایی‌ترین حقوق بشری محسوب می‌شود از آنان ساقط‌شده و به کشتارشان مبادرت می‌ورزند. اقدامات صورت‌گرفته علیه مسلمانان را می‌توان به‌عنوان سلسله‌اقدامات برنامہ‌ریزی‌شده به‌منظور حذف مسلمانان در کشور تلقی کرد. «پاک‌سازی قومی» اصطلاحی بود غیرانسانی علیه مسلمانان میانمار به کار برد. شرایط سخت برای بقای مسلمانان در این کشور باعث شده تا از طردن آنان آزادی مدنی خواسته شود در این خصوص اقدامی انجام دهند؛ اما افرادی که تنها رست چنین تفکراتی را دارند سعی در کتمان حقایق دارند و این جنایات را انکار می‌کنند. اعطای جوایزی چون صلح نوبل به افرادی که صلاحیت آن را ندارند و تنها در فکر طرح‌ریزی افکار پلید خود در نقاب ظاهری فریب‌دهنده هستند، استفاده ابزاری از این نوع جوایز را ثابت می‌کند. آیندگان با مطالعه تاریخ به بی‌اساس و وضعیت‌نشأت می‌گیرد. اگر این روزها شاهد سخنان مقامات کابینه ترامپ درباره برجام هستیم و اینکه تیلرسون در ملاقات با وزیر خارجه انگلیس گفته «انتظار داریم برجام سبب ثبات در منطقه شود، اما نشد» در حالی که

یادداشت

منطقه در شرف ورود به دنیای جدید است؛

ایران هراسی ۲ کلید خورد؟!!



نصرت‌الله تاجیک در یادداشتی برای دیپلماسی ایرانی می‌نویسد: از دیگر اهداف صهیونیست‌ها جهت اجرای پروژه ایران‌هراسی ۲، قرار گرفتن در کنار اعراب است. دیپلماسی ایرانی: اتفاقی که در خاورمیانه نباید می‌افتاد؛ افتاد! مشکل منگولیس شش‌پرچ‌پازان آمانور خاورمیانه بود که یا کشتی مرمره گولششان زد یا غرور ناشی از اندوخته ذخیره ارزی یا اتکا به یک رسانه که از ابتدا نتوانستند حدس بزنند وقتی خلیفه‌کشی باب شود، اسد نه اولی‌اش است و نه آخری‌اش! اسد البته آن‌گونه که فکر می‌کردند سه‌ماهه سرنوگون نشد؛ اما در طرف دیگر معادله در عوض نیرویی نه تنها در سوریه بلکه منطقه شکل گرفته که دیگر نمی‌توان با قواعد مرسوم آن را تجزیه و تحلیل یا با همان قواعد قبلی زمین بازی را تعریف و مرتب کرد؛ لذا شرایط کنونی در منطقه به‌ویژه در عراق و سوریه بسیار حساس است و ما باید در کشورمان جریان رسانه‌ای، سیاسی، نظامی و کلیه‌ابعادی را که به مسائل خاورمیانه و مشخصاً سوریه مربوط می‌شود، مدیریت کنیم تا تمام سرمایه‌گذاری‌اش نقش بر آب شده است.

از سال ۲۰۱۱ که جریان بهار عربی در خاورمیانه آغاز شد در حقیقت دوران بهار طلایی اسرائیلی نیز رقم خورده بود؛ زیرا در آن مقطع کشورهای منطقه همچون سوریه و حتی عراق به‌واسطه ظهور و قدرت گرفتن گروه‌های افراطی همچون داعش و تئوریسم وادانی به‌شدت درگیر شده بودند؛ لذا شرایطی طلایی برای رژیم اسرائیل فراهم شده بود؛ اما امروز این دوران طلایی در حال تبدیل به دوران سخت‌است و از این به بعد نه مشت آهنین جواب می‌دهد، نه گنبد آهنین. درحقیقت در شرایط کنونی یک حرکت مقاومت در برابر به‌هم‌ریختگی منطقه شکل گرفته

و این مقاومت پیروز شده است؛ همچنین نیروهای مخالف رژیم صهیونیستی امروز دیگر مانند پیش از سال ۲۰۱۱ نیستند. تل‌آویواز مقامات رژیم صهیونیستی در رابطه با موضوع ایران‌هراسی صورت گرفته، دلیل اصلی آن را باید در این مسئله جست‌وجو کرد که رژیم صهیونیستی شش سال طلایی را پشت سر گذاشته و تمام سرمایه‌گذاری‌اش نقش بر آب شده است. از سال ۲۰۱۱ که جریان بهار عربی در خاورمیانه آغاز شد در حقیقت دوران بهار طلایی اسرائیلی نیز رقم خورده بود؛ زیرا در آن مقطع کشورهای منطقه همچون سوریه و حتی عراق به‌واسطه ظهور و قدرت گرفتن گروه‌های افراطی همچون داعش و تئوریسم وادانی به‌شدت درگیر شده بودند؛ لذا شرایطی طلایی برای رژیم اسرائیل فراهم شده بود؛ اما امروز این دوران طلایی در حال تبدیل به دوران سخت‌است و از این به بعد نه مشت آهنین جواب می‌دهد، نه گنبد آهنین. درحقیقت در شرایط کنونی یک حرکت مقاومت در برابر به‌هم‌ریختگی منطقه شکل گرفته

مانند آمریکا، رژیم صهیونیستی و هم‌پیمانان‌شان در منطقه (همچون ترکیه، عربستان و قطر) هستند که بعضی از آنان به‌طور غیرمستقیم وارد بازی می‌شوند و سناریو نیز ایجاد حاشیه‌امن دوم برای رژیم صهیونیستی است. از دیگر اهداف صهیونیست‌ها از اجرای پروژه ایران‌هراسی ۲، قرار گرفتن در کنار اعراب و سوءاستفاده از شکاف میان کشورهای عربی منطقه با ایران در راستای نزدیکی بیشتر به این کشورها و دور کردن دوستان ما به‌خصوص چین، روسیه و اروپا با ایران است. به‌هر صورت منطقه در شرف ورود به دنیای جدیدی است که ملزومات جدید خود را طلب می‌کند. منطقه وارد لایه‌های پیچیده خود شده و نیازمند هوشیاری، برنامہ و ابتکار عمل در سیاست خارجی است تا بتواند به جریان‌سازی و راه‌انداختن گفتمان سیاسی اجتماعی دست یابد و به‌هم‌ریختگی ژئوپلیتیکی ناشی از اقدامات آمریکا را جبران کند و صلح، آرامش، امنیت، رفاه و توسعه را برای مردم به منطقه بازگرداند. انشاءالله!